

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۵ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۲۳ آبان ۹۲

خطبه‌ی روز عاشورا

سلام بر یوم‌الدین؛ مالک یوم‌الدین و سلام بر یوم عاشورا، یوم فرقان، یوم جداسازی حق از باطل، پاک از ناپاک، زیبایی از زشتی، عزت از ذلت و رشادت از عجز و سلام بر برپا کننده‌ی کرسی قضاوتش، بر ترازو و میزان و معیارش و سلام بر ایام، ایامی که نامش را پروردگارش در آینه‌ی آفرینشش نگاشت سپس همگان را در چرخش شب و روزش به تفکر فرمان داد؛ روزها در انوارش درخشید و شب‌ها در سکوتش مأوای دلدادگانی شد که زبان در کام را در پرده‌ی سینه فرو برده بودند تا رازهایی را فاش کنند که در صندوقچه‌ی جان ذخیره شده بود، جان‌ها رفتند ولی ذخیره‌ها ماندند تا ایام را معنا کنند؛ زبان آیندگان در کام‌هایشان به عظمتش معترف شد و اشک دیدگان از سوز و گدازش به جریان افتاد؛ چه تلاطم باشکوهی! امواج به حرکت درآمدند تا پرده‌ی جان عاشق را بدرند و زبان در کام مانده‌اش را به سخن درآورند؛ زبان ایام شکوفا شد و نهانش از سینه‌ی زمان جوشید و ابراز داشت:

مرا به خاطر بسپارید؛ من امانت‌دار جانتان هستم امانتتان را به من بسپارید تا بر رفعتش بیفزایم و نجواهایتان را دریچه‌ی نجات جان‌ها کنم و سلام و صلوات خداوند کریم بر کوثر بی‌همتای الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که از زبان گویای ایام سخن گفتند که ما به وضوح امانت‌داری آن را می‌بینیم که همان‌گونه‌ای که فرمودند: زمان، امانت عاشورای اباعبدالله الحسین را در سینه‌ی خود حفظ فرموده که هر سال زبان آیندگان در کام‌هایشان به عظمتش اعتراف کند و اشک دیدگان از سوز و گدازش چون سیل به جریان افتد.

امروز همان وعده‌ی سرور عالمیان است؛ یوم عاشوراست؛ روزی است که عظمتش زمین و آسمان را به حیرت درآورد چون شاهد مناجات حضرت اباعبدالله و یاران و فرزندان و بانوانی بود که در حلقه‌ی امامت به طرف ملاقاتی در حرکت بودند که

شوق و اشتیاق وجودشان را در چهره‌ی نورانی امام و در خطوط چهره‌اش، در تبسم‌هایش، در تفکراتش در لحظاتی که به دشمن می‌نگریستند حس می‌کردند. چه لحظات باشکوهی! سیمای حق ساعت‌هایی را سپری می‌کرد که وعده‌ی الهی بود و در فضیلت بی‌نظیر. روزی که تیرهای باطل آن جان‌های مطهر را درید و خون پاکشان را بر زمین ریخت و سرهای مبارکشان را در کیسه‌های متعفن جانشان قرار دادند تا مورد تشویق شیطان قرار گیرند و جگر زمان از تماشای آن به خروش آمد و زمین و آسمان ابراز نفرت نمود، دریا به خروش آمد، فرشتگان متحیر جهانی شدند که سابقه‌ی آن را برایشان گفته بودند؛ باطل زینت داده شد و برایش برهان‌هایی اختراع گردید که عقل‌ها را در وجودهای قدرت‌طلبان خاموش کرد ولی خورشید هدایت آن‌چنان تابید که باطل را به کویری افسانه‌ای بدل نمود؛ گیاهان زیبایش را سوزاند و ریشه‌اش را خشک کرد و آن را در صفحه‌ی سیاه زمان جاودانه کرد.

پس راهی که حق بود درخشید تا جان‌های مظلوم از آن نیرو بگیرد و بر باطل‌های زمان بتازد و اشکش برای حقی جاری شود که به دنبالش حرکت کرده تا با او دست بیعت دهد؛ او را بشناسد؛ مردانگی‌اش را تحسین کند؛ شجاعتش را بشناسد و دفاعش را آینه‌ی وجودش قرار دهد و راهش را چراغ هدایتش.

پس ای منتظران و شیفتگان کوی عشق بیایید در روز عاشورا، عاشورا به پا کنیم و با ناله و فریاد به مولایمان امام حسین بگوییم: یابن رسول‌الله، یارانتان شما را در کنار خود می‌دیدند و جمال بی‌مثالتان را در مناجات و تبسم و اشک و خطابه‌ها می‌دیدند؛ عاشقانه سرود عشق می‌خواندند و جانشان را فدا می‌کردند ما منتظران و عاشقان فرزند گرامی‌تان یوسف زهرا امام و مولا و سرورمان را اگرچه به ظاهر نمی‌بینیم ولی ایشان را از خودمان جدا نمی‌دانیم با باور و یقین، وجود مقدسش را در کنار و در قلبمان و در فرمان‌ها و خطابه‌هایشان می‌بینیم ما را در این روز بزرگ دعا کنید که همچون یاران صدیق‌تان ما نیز با اخلاص عمل و استواری قدم، جامان را عاشقانه در اطاعتش فدا کنیم و در برابرش زانو بزنیم و با ناله و اشک ابراز داریم:

مولای ما یابن رسول الله اگر با ریختن خون ما دینمان در این زمانه‌ی پر از کفر و فساد و نفاق و جنایت از تباهی نجات پیدا می‌کند این جان حقیر ماست که تشنه‌ی فرمان شماست ما منتظر هستیم تا وعده‌ی پروردگاران محقق شود و زمان انتظار به پایان برسد و جمال قرص ماهتان را با ندای هل من ناصر ینصرنی به گوش جان بشنویم و با فدا کردن جانمان لبیک بگوییم و تا آن زمان فریاد خواهیم زد:

اللهم عجل لولیک الفرج